



۲۰۱۹/۰۳/۰۱



هشت صبح

دشمنی پاکستان و هند

جنگال نظامی در کشمیر میان نیروهای نظامی هند و پاکستان، سخت نگران کننده است. دو قدرت اتمی جنوب آسیا رو در روی هم قرار گرفته اند و به همین دلیل جهان نگران است. وقتی دو قدرت اتمی در آستانه یک رویارویی نظامی قرار می گیرند، خطر استفاده از جنگ افزارهای هستوی بیشتر می شود. تردیدی نیست که هند و پاکستان تا جایی پیش نمیروند که علیه هم دیگر از جنگ افزارهای اتمی استفاده کنند، ولی اگر جنگال های نظامی تشدید شود، هیچ حادثه ای بعید نیست. هیچ تردیدی نیست دولت و نظامیان پاکستان، هند را دشمن هستی و موجودیت کشورشان می دانند. حلقات تندرو در پاکستان اما فکر می کنند که برای نابودی هند، رسالت مذهبی دارند. آنها تصور می کنند که مثل موج های مهاجم سده های میانه، روزی به سراسر قلمرو هند تسلط خواهند یافت. این نوع طرز دید سبب شده است که همه تلاش هایی که به هدف بهبود روابط هند و پاکستان صورت داده می شود، ناکام بماند.

واقعیت تلخ دیگر این است که ریشه منطوقی جنگ افغانستان هم در دشمنی هند و پاکستان نهفته است. شورش طالبان پس از سال ۲۰۰۱ معلول عوامل گوناگون است. دشمنی های قبیله ای در جنوب و تغییر روابط قدرت پس از یازده سپتمبر در شماری از ولایات جنوب غربی، پیشزمینه این شورش را فراهم کرد و امتناع دولت بوش از امضای قرارداد عفو طالبان در سال ۲۰۰۱ شورش این گروه را بار دیگر کلید زد. اما این پاکستان بود که اجازه داد گروه طالبان در قلمروش صاحب پناه گاه، اردوگاه های آموزشی، عقبه راهبردی و مراکز جمع آوری اعانه شود. پاکستان به رهبران طالبان اجازه داد که کویته را پایتخت جدید خود قرار دهند. شورای قندهار طالبان به کویته رفت و بدل به شورای کویته شد و شورای کابل گروه طالبان هم در پشاور استقرار یافت. اردوی پاکستان هم از شورش این گروه در افغانستان به صورت جدی حمایت کرد.

این حمایت در دشمنی پاکستان با هند ریشه داشت. پاکستان تصور می کرد که پیروزی روش پس از بن، به سود هند تمام می شود. پاکستان حتماً نتیجه گرفته بود که یک افغانستان دموکراتیک، کثرت گرا و طرفدار ارزش های لیبرال، به هند نزدیک می شود و نفوذ هند را در منطقه بیشتر میسازد. پاکستان از گسترش نفوذ هند و قدرتمند شدن آن خیلی نگران است. پاکستانی ها می گویند که دیگر کشورهای جنوب آسیا به نحوی بدل به دولت هایی شده اند که هند بر آنها نفوذ تعیین کننده دارد، اما اسلام آباد به خودش رسالت داده است تا با هند مقابله کند و این مقابله هم انگیزه ایدیولوژیک دارد. آنها از نفس حضور اقتصادی، دیپلماتیک و سیاسی هند در افغانستان نگران اند و فکر می کنند که این امر سبب میشود که پاکستان به کلی اهمیتش را در جنوب آسیا از دست بدهد. پاکستان

برای پاسخگویی به این نگرانی، متوسل به حمایت از طالبان شد و در بازسازی و ثبات سازی در افغانستان همکاری لازم نکرد.

اگر بین هند و پاکستان مشکلی وجود نمی‌داشت، منطقه امروز با ثبات میبود. دشمنی پاکستان با هند سبب شده است ثبات در افغانستان و منطقه برهم بخورد. این دشمنی به دموکراسی در پاکستان نیز صدمه جدی وارد کرده است. اردوی پاکستان و نیروهای مذهبی آن کشور به بهانه دشمنی با هند اجازه نمی‌دهند که دموکراسی در پاکستان قوت بگیرد. این دشمنی جلو رشد اقتصادی منطقه، انتگراسیون منطقوی و گسترش تجارتی را گرفته است. ظرفیت های تجارتی میان سه کشور هند، پاکستان و افغانستان بسیار زیاد است، اما دشمنی‌های ایدیولوژیک و توسعه طلبی هایی که با روایت‌های جعلی توجیه می‌شود، زندگی مردم منطقه را گروگان گرفته است. هیات حاکمه پاکستان باید درک کند که جهان از قرن ۱۳ میلادی تا حال خیلی تغییر کرده است، هیچ امکان ندارد که اردوی رسمی یا غیر رسمی پاکستان در نقش قطب الدین ایبک یا بابر یا کس دیگر به قلمرو هند حمله کند و آن را به تصرف خود درآورد. پاکستان باید اضطراب سال اول به وجود آمدنش را درمان کند. آنها باید هرچه زودتر وارد مذاکره با هند شوند و مشکل خود را یک بار و برای همیشه حل کنند. هندی ها در گذشته پاکستان را مطمئن ساخته بودند که نمی‌خواهند وضعیت به قبل از سال ۱۹۴۷ برگردد. چنین چیزی دیگر ممکن نیست. ولی به نظر میرسد که اضطراب پاکستان هنوز از بین نرفته است. هند به عنوان قدرت بزرگ جنوب آسیا، صبر بزرگ نیز دارد و باید تلاش کند تا با روی گرفتن یک سلسله اقدامات بار دیگر نشان دهد که هیچ مشکلی با کشوری به نام پاکستان ندارد. وقتی مشکل هند و پاکستان حل شود، رویای بهبود زندگی مردمان کشورهای منطقه تحقق خواهد یافت. جامعه جهانی باید پاکستان را زیر فشار بگیرد تا از داعیه دشمنی با هند دست بردارد.